

درباره ایجاد نخستین مرکز نگهداری از سالمندان به مناسبت روزی که به نام آن هاست

تاریخ تازه روزهای کهنسالی

سیده نفیعه زینبی ا خیلی هم قدیمی نیست. تا همین سه چهار دهه پیش، مادر بزرگ و پدر بزرگ هایی که خیلی پیر و افتاده بودند یا خانه مستقلی نداشتند، مثل یک عضو اصلی، برای سال ها کنار دختر، پسر و نوه هایشان زیر یک سقف زندگی می کردند. در آن دوران واژه و مکانی مثل «خانه سالمندان» اگر چه ناشناخته نبود، نه دغدغه جوان ها بودند نه سالمندان بزرگ ترها برکت خانه بودندو خانه سالمندانی هم که امروز در این سطر ها به دنبال نوشتن درباره تاریخ بنیان گذاری اش هستیم، بیشتر ویژه سال خوردگان بی پناه و بی کس و کار بوده است. با این حال تغییر سبک زندگی در یکی دود دهه اخیر، برخی را ناچار کرده است سالمندان یفرستند که در سطر های بعدی تاریخ این واژه و تاریخچه تأسیس نخستین مرکز نگهداری از سال خوردگان در مشهد را مرور می کنیم.

دارال عجزه ای برای زنان و مردان ناتوان



تصویری از دارال عجزه آستان قدس رضوی

نخستین گام برای تأسیس مرکزی که یکی از اهدافش نگهداری از سال خوردگان و سالمندان باشد، با تأسیس دارال عجزه در آستان قدس برداشته می شود. در واقع آستان مقدس حضرت رضا^(ع) نخستین مکان و سازمانی است که چتر حمایتش را بر سر اطفال یتیم، زنان بی سرپرست، بیماران و نیازمندان باز می کند و با ایجاد «دارال عجزه» تلاش می کند از این گروه های آسیب پذیر حمایت کند. برابر اسناد و مکتوبات موجود، از «دارال عجزه» می توان به عنوان قدیمی ترین مؤسسه خیریه تحت حمایت آستان قدس رضوی نام برد که اساسنامه آن با پنج فصل و ۳۱ ماده، در ۲۹ بهمن ۱۲۹۵ خورشیدی، تدوین و تصویب شده است.

اگرچه نام «سرای سالمندان» هیچ گاه بر سر در دارال عجزه مشهد نمی نشیند، مؤسسان هدف از تشکیل این نهاد را ایجاد مکانی برای افراد (زنان و مردان) ناتوان از کار، اطفال فقیر و یتیم بدون معاش و کودکان بازمانده از تحصیل، بیان می کنند.

ناگفته نماند که اعضای دارال عجزه به سه بخش عضو مؤسس، عضوامدادی و عضو افتخاری تقسیم می شدند، اعضای مؤسس، افرادی بودند که حداقل یک بار ۲۵ تومان برای تأسیس دارال عجزه می پرداختند. اعضای افتخاری هم کسانی بودند که زیر نظر هیئت مؤسس، عضویت آن ها تأیید می شد و موظف بودند ماهانه دو تومان بپردازند. اعضای امدادی را نیز افرادی تشکیل می داد که در ماه، دست کم پنج قران می پرداختند، البته باید توجه کرد که در سال ۱۳۳۵ فقط ۴ درصد جمعیت کشور را افراد بیش تر از ۶۵ سال تشکیل می دادند و جامعه ایرانی در آن سال ها رویه جوانی بود و مسائل سالمندی هنوز دغدغه جامعه نشده بود تا شکل گیری مؤسسات مخصوص نگهداری کهنسالان در آن مطرح باشد.

در ادامه هم، نوانخانه شهرداری در دهه ۴۰ و آسایشگاهی که عبدا... هنری در سال ۱۳۵۰ برای نگهداری معلولان راه اندازی می کند، مکان های دیگری هستند که احتمالاً ردی از افراد مسن در آن ها یافت می شود، ولی هیچ کدام ویژه کهنسالان نیست و افراد سال خورده باتوجه به معلولیت یا فقر می توانند به آن راه پیدا کنند.

نخستین جرقه در سال ۱۳۵۳ زده شد

به احتمال زیاد، موضوع راه اندازی یک خانه سالمندان، ویژه نگهداری افراد کهنسال در مشهد به عنوان یک نیاز، در سال های نخست دهه ۵۰ قرن گذشته، مطرح می شود، برابر اسناد در سال ۱۳۵۳،



عکس بهمنه غفوریان شهروا

گفت وگو با فردی که ۳۰ سال پیش، تصمیم گرفت نخستین خانه سالمندان را برای سال خوردگان مشهدی بنیان بگذارد

کسی حاضر نبود اولین باشد

کردم، نهمین مرکزی بود که در ایران شروع به کار کرد.

البته در مشهد، پیش از شریف نیا، دو نفر دیگر نیز مجوز می گیرند، ولی موفق به اجرای ایده شان نمی شوند. در اسفند ۱۳۷۲ شریف نیا موفق می شود پروانه تأسیس سرای سالمندان را بگیرد؛ «آن زمان بهزیستی کشور باید درخواست ها را تأیید می کرد. در بهزیستی خراسان، پرونده ای تشکیل دادم که به تهران رجاع دادند. من به تهران رفتم و از آنجا دو کارشناس به مشهد آمدند و وضعیت را بررسی کردند. بهزیستی کشور به من مجوز داد و شروع به کار کردم.

مردم، سالمندان شان را نمی آوردند

البته ماجرای تأسیس خانه ای که قرار است کهنسالان دوران خانواده در آن نگهداری شوند، به همین راحتی میان مردم جامی افتد. شریف نیا درباره ماه های نخست کاری اش چنین تعریف می کند: وقتی ما شروع کردیم، این فرهنگ هنوز میان مردم جا نیفتاده بود. تا مدتی همه کارکنان آماده کار بودند، ولی کسی نمی آمد. هر کس هم که می آمد و می فهمید نفر اول است، بشیمان می شد. گاهی شماره شان را می گذاشتند که هروقت تعداد سالمندان به ۱۰ نفر رسید، به ما هم اطلاع بدهید. کسی حاضر نبود نفر اولی باشد که سالمندش را به خانه سالمندان فرستاده است. بعد از دو ماه، به سازمان بهزیستی

خراسان مراجعه کردم و گفتم وضعیت چنین است. بهزیستی، شریف نیا را به آسایشگاه فیاض بخش می فرستد تا از میان افراد بیش از شصت سال آنجا، تعدادی زن و مرد را انتخاب کند و به آسایشگاهش ببرد. ۱۰ نفر نخست سرای سالمندان، این چنین به این خانه تازه تأسیس راه پیدا می کنند. پس از آن مهندس حمید مستشاری، از خیران بنام مشهد، هزینه استقرار ۱۰ سالمند نیازمند دیگر را تقبل می کند، کار خبری که البته با دخالت سازمان بهزیستی نافرجام می ماند: آقای مستشاری گفت چرا این تخت ها اینجا خالی است؟ گفتم مردم پول ندارند بدهند. او به من گفت ۱۰ نفر سالمند را بگیر و ماهی ۲۰ هزار تومان را من می دهم، ۱۰ هزار تومان را هم تو نگیر. بهزیستی تا متوجه این تصمیم شد، ۱۰ نفر را از آسایشگاه فیاض بخش برای من فرستاد، البته آقای مستشاری وقتی این موضوع را فهمید، کمک مالی را قطع کرد.

حسین شریف نیا با خنده ادامه می دهد: من در کنار آموزش گاری، فعالیت تجاری می کردم و با این هدف، این کار را شروع نکردم. با نیت انجام یک کار خوب، این فعالیت را شروع کرده بودم تا وقتی که خودم هم پیر و ناتوان شدم، جایی برای گذران عمر داشته باشم.

پیش بینی نشده یک خانه سالمندان و هزینه های جاری و همیشگی آن برای نگهداری و رسیدگی به کهنسالان صحبت به میان می آورد و درعین حال، حسابی به این امر اختصاص می دهد تا وجوه دریافتی برای این موضوع در آن حساب نگهداری شود.

بررسی اسناد در آن سال ها، نشان می دهد که در سال های بعد، تأسیس خانه سالمندان رضوی را آستان قدس رضوی پیگیری می کند و اساسنامه آن نیز نوشته می شود، البته از شواهد امر پیداست که تأسیس خانه سالمندان در همین مرحله، متوقف می ماند و به جایی نمی رسد. تنها اثر دیگری که می توان از آن یافت، در سال ۱۳۶۴ است که

محمد جعفر بهبهانیان که معاونت وزارت دربار را برعهده دارد، نامه ای به نیابت تولیت آستان قدس رضوی می نویسد و در آن می خواهد حقوق او را که برای عضویت در هیئت مدیره شرکت سهامی قند رضوی به حسابش واریز شده است، برای تأسیس خانه سالمندان به مصرف برسانند.

و این روال را تا سال های بعد نیز ادامه می دهد و همه حقوقی را که از این بابت دریافت کرده است، به حساب آستان قدس واریز می کند تا برای تأسیس خانه سالمندان صرف شود، البته کارها به همین سادگی پیش نمی رود و ولایت که انضمام امور آستان قدس رضوی را برعهده دارد، از مخارج



مدرسه ای باقی مانده در یک عکس

در مشهد قدیم، چه داخل حرم مطهر امام هشتم^(ع) و چه در اطراف آن، مدارس بسیاری وجود داشته که این روزها دیگر از کاشی های آبی با پیچ و تاب گل و مرغ بر سر در شان، جز تعدادی اندک، نمانده است. اسناد اما می گویند مدرسه نواب میرزا صالح، مدرسه فاضل خان، مدرسه میرزا جعفر، مدرسه ملاتاجی، مدرسه سعدالدین یا پایین پا، مدرسه دودر، مدرسه پر یزاد، مدرسه بالا سر، مدرسه سلیمان خان، اعتضاد الدوله، مدرسه خیرات خان، مدرسه حاجی رضوان و مدرسه عبدال خان، تنها تعدادی از بی شمار مدارس و حوزه های علمیه در اطراف حرم بوده اند. تصویری که می بینید، بقایای یکی از آن هاست که در عکسی باقی مانده از دهه ۵۰ قرن ۱۴ خورشیدی، ماندگار شده است.

فتو
مشهد

مشهدیات

مشهدیات – گفتارهایی در باب تاریخ و فرهنگ شهر بهشت (فصل دهم)
سرگذشت بازار مشهد (بخش هشتم)

مرضیه ترابی ا صدمین قسمت از مجموعه مشهدیات را به آن امید آغاز می کنیم که آنچه تا کنون گفتیم و -اگر خدا بخواهد و عمری باقی باشد- در آینده خواهیم گفت، مطلوب شما خوانندگان ارجمند و بزرگوار باشد. صحبت ما درباره سرگذشت بازار مشهد، به ماجرای «تخریب بزرگ» به عنوان چهارمین گسست بازار سنتی مشهد رسید؛ تخریبی که اساسی ترین ضربه را به ساختار شهرسازی، اقتصادی و اجتماعی این بازار وارد کرد. گفتیم که به دلیل افزایش جمعیت شهر و تغییر در ساختار حمل و نقل شهری، نیاز به اجرای یک طرح توسعه مناسب در اطراف حرم رضوی وجود داشت، طرحی که بتواند با حفظ حداکثری هویت تاریخی این منطقه، مشکلات به وجود آمده را رفع کند. متأسفانه در تهیه این طرح، کمتر به این موضوعات پرداخته شد و به جای مشورت با استادان معماری و شهرسازی ایران که تعدادشان کم هم نبود، به سراغ کارشناسان خارجی مانند «میشل اکوشار» رفتند. اجرای طرح نیز به صورت ضربتی و بدون مطالعه اجتماعی مناسب، آغاز و باعث عوارض سنگینی در جامعه آن روز مشهد شد؛ عوارضی که به اعتقاد برخی پژوهشگران، نقش مهمی در اوج گرفتن اعتراض ها علیه رژیم پهلوی در مشهد داشت. اجرای این طرح در دوران دولت هویدا و با پیشنهاد اسدا... علم، وزیر دربار، به عبدالعظیم ولیان سپرده شد؛ انتصابی که خود، به صورت تصاعدی، بر مشکلات موجود در اجرای طرح افزود. شاید اگر ندانیم عبدالعظیم ولیان کیست و چگونه با مردم و بازاریان قدیمی مشهد تعامل کرد، نتوانیم به عوارض تخریب بزرگ با دید دقیق تری بنگریم.

● موجودی به نام عبدالعظیم ولیان

عبدالعظیم ولیان در ۱۱۶ ر دیبهشت ۱۳۵۳ خورشیدی، با حکم جانشید آموزگار (وزیر کشور وقت)، به سمت استاندار خراسان تعیین شد. در نگارش متون تاریخی و تحلیل های مربوط به آن، ممکن است ورود به چنین مباحثی نوعی نگاه جانبدارانه تلقی شود، اما نمی توان درباره شخصیت عبدالعظیم ولیان و اثرات نامطلوبی که این شخصیت و اقدامات وی در مشهد گذاشت، ماجرا را مسکوت باقی گذاشت و هیچ نگفت. بدون تعارف، باید ولیان را که بعد از رسیدن به منصب استانداری، با پادریمانی اسدا... علم و به دستور شاه به عنوان نایب التولیه آستان قدس رضوی نیز منصوب شد، یکی از چهره های منفور تاریخ معاصر مشهد بدانیم. ولیان پیش از آنکه استاندار خراسان شود، به مدت هفت سال وزیر اصلاحات ارضی و سپس وزیر تعاون و امور روستاها بود و در این سمت، فردی فاسد و اهل زودنودن شناخته می شد. ازسوی دیگر، او در میان زبردستانش به فردی فحاش و بی ادب مشهور بود و معمولاً دستورهای خود را به افراد زیردست، در قالب توهین و تحقیر بیان می کرد و به همان میزان در برابر بالادستی ها، کرش و تملق می کرد.

گزارش های بی شماری درباره اقدامات ولیان در دوران وزارت و سپس، استانداری وجود دارد که حجم زیادی از بی تعادلی شخصیت و میل به فساد را در او نشان می دهد. این عوواج شخصیتی باعث شده بود پرونده گزارش های وی در ساواک، با وجود همکاری و شاید پوششش در این سازمان، سنگین و پرخرج باشد. شاید اگر نمونه ای از اوراق پرونده ولیان را که در بایگانی ساواک باقی مانده است مرور کنیم، دیگر نیازی به شرح و توضیح بیشتر درباره شخصیت و منش وی نداشته باشیم؛ «سند شماره ۲۵۹/۱۱۰۳۳ ۵/۵/۱۵-» برابر معمول، بعضی از ملاقات های آقای ولیان با بعضی از خانم ها علاوه بر کاخ بیلدر و ملک آباد در کاخ پذیرایی واقع در میدان وکیل آباد در اتاق مخصوصی که برای همین منظور در طبقه فوقانی دفتر کارش ترتیب داده، انجام می گیرد و دستور داده است هیچ کسی حق ورود به اتاق مزبور و حواشی آن را ندارد. فرشچی بر حسب وظیفه به منظور واگذاری مأموریت به باغبانان، دستور می دهد سه نفر باغبان کاخ پذیرایی را تمیز نمایند و بدون هیچ گونه نظر و آگاهی از ورود آقای ولیان، یکی از باغبانان مشغول انجام وظیفه در حواشی اتاق مخصوص بوده، دفعتاً ولیان از اتاق خارج می شود] و باغبان را می بیند و تصور می نماید باتوجه به اینکه مهندس فرشچی از اعمال وی در کاخ های بیلدر و ملک آباد و پذیرایی مطلع می باشد، عماداً این باغبان را جهت مراقبت به محل مذکور فرستاده. فوراً دستور احضار فرشچی را می دهد. وقتی مهندس نام برده به نزد ولیان آمده، بهانه جویی نموده، سؤال می نماید: چرا با لباس کار روبدون رکیک و زشت نیستم! آقای ولیان وی سبلی محکم به صورت و دو پس گردنی و یک آردنگی با لگد به وی زده و با فحاشی های بسیار رکیک و مستمر و اهانت به خانواده اش، او را از کاخ بیرون کرده، دستور می دهد وی را اخراج نمایند... نظریه چهارشنبه، خبر صحت دارد، رفتار ولیان با مهندس فرشچی و سایر پرسنل استانداری و آستان قدس رضوی همواره در بیان مقامات استان و آستان قدس رضوی و خانواده ها مورد تعبیر و تفسیر است و در روحیه سایر پرسنل نیز اثر سوء به جای گذاشته است. روی پرونده ولیان نگهداری شود. شایع است باغبان مذکور که در نظافت مراجه می کند، آقای ولیان را در حالی زنده ای با یکی از بانوان شوهردار دیده و در نتیجه ولیان هم عصبانی می شود و با فرشچی برای مرعوب کردن و مسکوت گذاردن موضوع، چنین عمل می کند.... (منبع: پایگاه مرکز بررسی اسناد تاریخی، همراه با عکس سند).

ولیان با چنین اخلاق و رویه ای، مسئول اجرای طرح توسعه اطراف حرم رضوی شد. مرحوم استاد عزیزا... عطاردی در جلد نخست کتاب «فرهنگ خراسان» می نویسد: «ولیان یکی از مجریان سیاست محمدرضا شاه بود... در آن ایام در محافل تهران، مشهور بود که وزیر دربار، امیر اسدا... علم، او را احضار می کند و به او پیشنهاد می نماید که باید برای تصدی نیابت تولیت آستان قدس رضوی و استانداری خراسان خود را آماده سازد، ولی مشروط بر اینکه طرح فلکه را هم به مورد اجرا گذارد و به موانع موجود توجهی نداشته باشد، چه این شایعه را صحیح بپنداریم و چه آن را نادرست فرض کنیم. ولیان با کارنامه پریب و ایرادش در دوران وزارت -کارنامه ای که در آن از جرائمی مانند رشوه خوری، حمل و قاچاق مواد مخدر و... تا توهین و فحاشی به مردم و زبردستان وجود داشت و به دلیل رسوایی بیش از حد، حتی صدای هویدا را هم درآورده بود- به دنبال راهی برای نشان دادن خود به دربار می گشت و می خواست به هر شکل ممکن، حمایت دربار را پشت خودش داشته باشد. تردیدی نیست که باید بخشی از علت تخریب بی حساب و کتاب ۳ هزار و ۲۰۰ مغازه، ۱۲۹ هتل و مسافرخانه، بیش از ۲۵۰ منزل مسکونی، ۵۷ سرا و بازارچه، ۳۵ اثر باستانی از جمله مسجد، حمام، مدرسه، کاروان سرا و آب انبار و نابودی ۶ هزار مرکز کسب و عوارض ناشی از آن را در اطراف حرم رضوی، در این عامل جست وجو کنیم؛ موضوعی که در قسمت بعد و ضمن بررسی ادامه ماجرای تخریب بزرگ بازار مشهد به آن خواهیم پرداخت.

ادامه دارد....